

بررسی نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز (بررسی موردی: روستاهای منطقه کهمان شهرستان سلسله)

مصطفی کرم‌پور* سامان یوسفوند**

تاریخ دریافت: ۱۵ شهریور ۱۳۹۱

تاریخ پذیرش: ۱۲ اسفند ۱۳۹۱

چکیده

در پژوهش حاضر، عناصر نظریه خرده فرهنگ دهقانی بررسی شده که راجرز آنها را موانع توسعه دانسته است. در این پژوهش تلاش شده است نظریه مذکور در روستاهای منطقه کهمان شهرستان سلسله مورد آزمون قرار گیرد تا از این طریق، شناخت جامعی از بافت اجتماعی جامعه مورد بررسی حاصل شود، به این منظور که مشخص گردد عناصر خرده فرهنگ دهقانی به صورتی که مورد توجه راجرز بوده، در جامعه مورد بررسی صدق می‌کند. جمعیت مورد بررسی، دهقانان روستاهای منطقه کهمان است که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و نظری با بررسی دیدگاه چهل دهقان و تشکیل هشت بحث گروهی، اشباع نظری حاصل شد. در پژوهش حاضر، از فنون کیفی (مصاحبه عمیق، بحث گروهی متمرکز و مشاهده همراه با مشارکت) استفاده شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، عناصر خرده فرهنگ دهقانی راجرز در منطقه مورد بررسی انطباق نداشته و نه تنها مانعی برای توسعه منطقه نبوده، بلکه در بعضی موارد، محرک نیز بوده است. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که خرده فرهنگ محلی و سنن بومی، نه به عنوان مانع و معارض، بلکه پناهگاه و رقیبی برای توسعه است و به منظور رفع ابهام، می‌توان اصطلاح "خرده فرهنگ محلی" را که محرک، رقیب و پناهگاه توسعه (عناصر پژوهش حاضر) است، به جای اصطلاح خرده فرهنگ دهقانی راجرز (مانع توسعه) پیشنهاد کرد. در نهایت، می‌توان بررسی حاضر را پژوهشی با نگاهی نو در توجه به بوم‌ها و سنت‌ها و به ویژه فرهنگ‌های محلی در ارتباط با توسعه در نظر گرفت، زیرا یافته‌ها بیانگر تأثیر خرده فرهنگ محلی بر توسعه روستاهای مورد بررسی است.

کلیدواژه‌ها: خرده فرهنگ محلی، خرده فرهنگ دهقانی، توسعه، سنت، رقیب، کهمان.

* استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه لرستان. karampoor.m@lu.ac.ir

** دانشجوی کارشناس ارشد جامعه‌شناسی توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). samanyousefvand@ut.ac.ir

مقدمه

پیشرفت و توسعه حاصل، نگرشی خاص به عالم است، بدون ایجاد نگرشی خاص، پیشرفت و ترقی ممکن نیست و نگرش مذکور، بیانگر لزوم وجود فرهنگی مناسب برای توسعه است. عامل فرهنگ از جایگاه ویژه‌ای در توسعه برخوردار است و بی‌توجهی و کم‌توجهی به آن، تمام برنامه‌های توسعه را با ناکامی مواجه خواهد کرد، بنابراین باید به صورت خاص رابطه فرهنگ و توسعه را شناخت و در برنامه‌های توسعه، آن را مورد توجه کافی قرار داد (شرفی، ۱۳۸۸: ۱۸). در دهه‌های اخیر که دانشمندان رشته‌های مختلف جامعه‌شناسی، به ویژه در حوزه توسعه اقتصادی، در جست‌وجوی دلایل تفاوت میزان رشد و توسعه اقتصادی کشورهای مختلف بودند، نظریه‌های متنوع و گسترده‌ای را بیان کرده‌اند. در بین عوامل مذکور، در مجموعه‌ای از نظریه‌ها، بر متغیرهای اقتصادی مانند مصرف، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، زیربنایها و تأسیسات فیزیکی و منابع طبیعی و جغرافیای و در گروهی دیگر از نظریه‌ها، در کنار توجه به عوامل اقتصادی، عوامل مربوط به نیروی انسانی و نهادهای اجتماعی و در نهایت، موضوع تاثیر اعتقادات، باورها و عادات و رسوم موجود در فرهنگ جامعه مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که در برخی نظریه‌ها، یکی از عوامل مهم و اصلی در پیشرفت سریع اقتصادی اروپا در دوران بعد از رنسانس، به تحولات مربوط به ظهور تفکر دینی جدید در دنیای مسیحیت، یعنی پروتستانیسیم نسبت داده شده یا دلیل اصلی سرعت و رشد و توسعه اقتصادی ژاپن مدیون فرهنگ سامورایی دانسته شده است. بنابراین، در هر یک از رشته‌های علوم انسانی، به یکی از جنبه‌های فرایند توسعه توجه شده و ابعاد فرایند توسعه، منطبق با موضوع و روش‌شناسی علم خود مورد توجه قرار گرفته و به همه جنبه‌های مورد نظر توسعه توجه نشده است. در ضمن، از برخی عوامل جانبی، فرایندهای بطنی و پارامترهای ناملموس نیز که با وجود اهمیت بسیار در توسعه، ممکن است از نظرها پنهان بماند نیز غافل مانده‌اند. در پژوهش حاضر، هدف این است که با رهیافت انتقادی پارادایم توسعه، مکتب نوسازی و به طور خاص دیدگاه راجرز به عنوان رویکردی که ملل توسعه یافته برای ایجاد صلح جهانی و توسعه کشورهای جهان سوم به کار گرفته‌اند، با نگاهی نو مورد آزمون و بررسی قرار گیرد.

بیان مسئله

مسئله از مشاهده ناسازگاری میان معرفت و واقعیت برمی‌خیزد. در این معنا مسئله مسبوق به معرفت زمینه‌ای ماست. معرفت زمینه‌ای، دستگاه معرفتی ما در برخورد با واقعیت است (ساعی، ۱۳۸۷: ۳۳). در واقع، مسئله زمانی به وجود می‌آید که در وضع موجود، بحران، تغییر، تناقض، ناسازگاری و عدم تعادل مشاهده شود. دو نوع مسئله را می‌توان از هم تفکیک کرد: (۱) مسئله نظری، (۲) مسئله اجتماعی. مسئله نظری، نتیجه انتقاد از نظریه است. در این معنا، مسئله محصول بحث انتقادی از جمله آزمون تجربی نظریه است (پوپر، ۱۹۹۹: ۱۴؛ به نقل از ساعی، ۱۳۸۷: ۳۴). مسئله علمی از دانش علمی برمی‌خیزد و به نظریه متصل است. در پژوهش حاضر، منظور از دانش علمی پارادایم‌ها، نظریه‌ها و پژوهش‌های پیشینی است که در حوزه پارادایم توسعه (مکتب نوسازی) مطرح شده است. همان‌طور که می‌دانیم، پارادایم توسعه، چندین دهه بر ادبیات توسعه حاکم بوده است. پژوهش‌گران فراوانی نیز چارچوب نظری خود را از مکتب نوسازی گرفته و در اکثر پژوهش‌هایی که در ایران نیز انجام شده، نظریه‌های مذکور تأیید گردیده است. اما اکنون با گذشت چندین دهه از دوران نوسازی و انتقاداتی که به نظریه‌های این حوزه مطرح شده، ناکارآمدی آنها آشکار گردیده است. به طوری که شاهد تناقضی بین نظریه‌های مذکور و واقعیت روزمره هستیم^۱ اندیشمندان این حوزه معتقدند که برای پیدایش توسعه بایستی همه باورهای سنتی کنار گذاشته شود؛ به طوری که راجرز در بحث "خرده فرهنگ روستایی" معتقد است که عمده‌ترین موانع نوسازی و توسعه از شیوه زندگی و فرهنگ روستاییان نشأت می‌گیرد و عناصری مانند انگیزه‌ها، ارزش‌ها و وجهه‌نظرها در قالب خرده فرهنگ دهقانی، مانع نوآوری و پذیرش تغییرات در جوامع روستایی می‌شود و عوامل منفی و بازدارنده توسعه اقتصادی فرض شده است (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

رهنما^۲ معتقد است که توسعه، ابزار و وسایل فریبنده و غیرواقعی را در چنین جوامعی وارد کرد. وسایل فریبنده چیزهایی را که به زندگی مردم معنا و گرمی می‌بخشید، از آنها گرفت. پیام غالباً پنهان هر طرح توسعه ای این بود که شیوه‌های اندیشه و عملکرد سنتی مردم را به شرایط غیرانسانی محکوم کرده است که فقط تغییر بنیادین در این شرایط می‌تواند باعث جذب توجه و احترام دنیای متمدن

۱ با مصاحبه‌هایی که نگارنده در روستاهای منطقه کهمان شهرستان سلسله انجام داده است، مثال‌های نقض دیدگاه بعضی از نظریه‌پردازان نوسازی (راجرز) ملاحظه شد.

شود. بحث اصلی طرفداران توسعه این بود که توسعه پاسخی سخاوتمندانه به میلیون‌ها انسان است که به کمک نیاز دارند. اما توسعه با امیال و آرزوهای جمعیت‌های "هدف" ارتباط بسیار کمی داشت. نسخه مخفی با اهداف ژئوپولیتیک مرتبط بود (رهنما، ۱۹۹۷: ۳۸۱-۳۷۹ به نقل از پیت، ۱۳۸۴). با نگاهی به نظریه‌های اولیه توسعه شاهد هستیم که اکثر نظریه‌پردازان (راجرز، مک کله لند، هیگن، اینکلس و غیره) معتقدند که توسعه، پدیده‌ای ضد سنت‌ها، باورها، محلی‌گرایی و ضد خانواده‌گرایی و غیره است. زیرا با بسیاری باورها و سنت‌های قومی قبیله‌ای در تضاد است، ولی اکنون با وجود توسعه در مناطق روستایی و سنتی‌تر شاهد حضور باورها و ارزش‌های سنتی هستیم و به یک معنا می‌توان گفت که توسعه باعث شکوفاتر شدن سنت‌ها شده است.

همان‌طور که بیان شد، مسئله در سطح نظریه‌ها ناشی از مشاهده ناسازگاری میان نظریه و واقعیت است. در اینجا واحد تحلیل، نظریه و سؤال، ناظر بر خود نظریه است و پاسخ آن از واقعیت‌های روزمره گرفته می‌شود. در پژوهش حاضر که به لحاظ چهارچوب زمانی، از نوع عرضی یا مقطعی است و فقط یک‌بار در مقطع زمانی چندماهه (بهار و تابستان سال ۱۳۹۱) انجام شده است، تلاش می‌شود با رهیافت انتقادی، دیدگاه‌های فرهنگی مرتبط با توسعه (به طور خاص نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز) را با روش کیفی مورد آزمون قرار دهیم و بررسی کنیم که آیا عناصر خرده فرهنگ دهقانی به آن نحو که راجرز مطرح کرده است، در جامعه مورد بررسی وجود دارد؟ چه ارتباطی بین خرده فرهنگ‌ها و توسعه وجود دارد؟ آیا باید خرده فرهنگ‌های مذکور را همانند سایر نظریه‌پردازان مکتب نوسازی و پژوهش‌گران توسعه روستایی، مانع توسعه در نظر بگیریم؟ یا بایستی نگاهی متفاوت به سنت‌ها، ارزش‌ها و آداب و رسوم بومی داشته باشیم. به عبارت دیگر، آیا می‌توان آنها را رقیبی برای توسعه در نظر گرفت؟

مبانی مفهومی - نظری پژوهش

با مرور پژوهش‌های پیشین درباره این موضوع در ایران (از جمله؛ کهن‌روز ۱۳۷۷؛ ازکیا و رفیع‌فر ۱۳۷۸؛ احمدرش ۱۳۸۱؛ محسنی‌تبریزی ۱۳۸۲؛ سرداریان قاسم‌آبادی ۱۳۸۳؛ موسوی ۱۳۸۴؛ حمیدیان و همکاران ۱۳۸۶؛ مقیمی ۱۳۸۸ و غیره) درمی‌یابیم که پژوهش‌گران سعی کرده‌اند رابطه بین باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های افراد و فرایند توسعه را مورد بررسی قرار دهند. در بسیاری از

بررسی نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز ...

پژوهش‌های مذکور، صرفاً به توصیف ساختارهای فرهنگی اجتماعی یا احیاناً پاره‌ای ویژگی‌های جمعیتی و جغرافیایی جوامع مورد بررسی پرداخته‌اند و بسیاری از باورها و نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع مذکور را به مثابه موانع توسعه ذکر کرده‌اند. نتایج پژوهش‌های پیشین، بیان‌گر این است که در جوامع شهری و روستایی ایران، عناصر تشکیل‌دهنده خرده‌فرهنگ موجود، در بسیاری از موارد، در فرایند توسعه و پیشرفت، نقش منفی و بازدارنده دارد. البته در برخی پژوهش‌ها نیز درباره نقش مثبت و سازنده عناصر خرده فرهنگ در فرایند توسعه بحث شده است. برای نمونه، پژوهشی از ازکیا و پاک‌سرشت (۱۳۷۷) را با عنوان "فرهنگ توسعه در ادبیات کرد" می‌توان نام برد. به اعتقاد پژوهش‌گران مذکور، شمار باورهای مثبت و تسریع‌کننده فرایند توسعه در ادبیات کرد، بسیار بیشتر از باورهای منفی و بازدارنده است. از این‌رو، ریشه‌های توسعه‌نیافتگی را بایستی در سایر عوامل، از جمله عوامل سیاسی و دور بودن از مرکز جستجو کرد (ازکیا و پاک‌سرشت، ۱۳۷۷).

تعداد فراوانی از متفکران در ادبیات توسعه روستایی، به ویژه نظریه‌های مکتب نوسازی، موانع اجتماعی و فرهنگی توسعه روستایی را مورد توجه قرار داده‌اند. صاحب‌نظرانی مانند لرنر^۱ (۱۹۵۸)، لویس^۲ (۱۹۶۰)، تکس^۳ (۱۹۶۳)، روزن^۴ (۱۹۶۴)، فاستر^۵ (۱۹۶۵)، راجرز^۶ (۱۹۶۹)، ردفیلد^۷ (۱۹۸۰) و سایرین، با بیان مفهوم عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی^۸ تلاش کرده‌اند که دلایل توسعه نیافتگی برخی از مناطق جهان را نظام ارزش‌ها و باورهای سنتی و فرهنگی آن جوامع بدانند و درصدد آزمون تجربی نظریه مذکور، در برخی از جوامع سنتی بوده‌اند. در پژوهش حاضر، رویکرد نوسازی (نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز) با نگاه بومی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

در ادبیات توسعه روستایی که از مکتب نوسازی نشأت می‌گیرد، دو موضوع را باید مورد توجه قرار داد: موضوع اول، نظریه "موانع" یا سدهای اجتماعی و فرهنگی توسعه روستایی است و موضوع دوم، که نقطه مقابل نظریه فوق است، درباره تشخیص عوامل اجتماعی و فرهنگی است که "جهش" اقتصادی را تسهیل می‌کند (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۱۷). به طوری که در جامعه، دو گونه فرهنگ در کنار یکدیگر، همزیستی دارد: فرهنگ عمومی که مورد توجه دولت است و فرهنگ رقیبی (خرده‌فرهنگی)

1 Lerner

2 Lewis

3 Tax

4 Rosen

5 Foster

6 Rogers

7 Redfield

8 Sub-culture of peasantry

که مردم‌پسند (و مردمی) است. در حال حاضر، در جامعه در کنار فرهنگ اصلی، خرده‌فرهنگ‌هایی وجود دارد که آنها را می‌توان رقیب توسعه در نظر گرفت.

"خرده‌فرهنگ" به‌شيوه زندگی متمایز یک گروه در جامعه‌ای پیچیده گفته می‌شود. خرده‌فرهنگ به طور خاص، باورها، ارزش‌ها، نظام‌های نمادین و اشیاء مصنوع حاوی معنا را شامل می‌شود، ولی می‌تواند بسط یابد و ساختارهای نهادی و سازمانی مناسبات را نیز شامل گردد. خرده‌فرهنگ ممکن است نسبت به فرهنگ مرسوم گروه‌های مسلط، انحراف داشته باشد یا ضدفرهنگ مسلط باشد. برخی خرده‌فرهنگ‌ها نیز ممکن است حول کانون‌های غیرهنجارین هویت اجتماعی و تمایز اجتماعی شکل بگیرد و در تقابل با فرهنگ مسلط نباشد (جلایی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۴۹۵).

ایده خرده‌فرهنگ دهقانی، از جمله خرده‌فرهنگ‌هایی است که مورد توجه اندیشمندان حوزه توسعه قرار گرفته است. راجرز (۱۹۶۹)، از جمله متفکران مذکور است که عناصر اصلی "خرده‌فرهنگ دهقانی" را مورد بررسی قرار داده است. عناصر مذکور عبارت است از: خانواده‌گرایی، عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری، وابستگی به دولت، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی برای دستیابی به منافع آتی، دیدگاه زمانی محدود، محلی‌گرایی و فقدان همدلی (چونگ^۲ و همکاران، ۱۹۸۴: ۱۰) که در ادامه درباره آنها بحث می‌شود.

روش پژوهش

زمانی که در پژوهش علوم اجتماعی، انگیزه‌ها، ارزش‌ها و وجهه‌نظرهای افراد مورد بررسی است، به‌کارگیری روش‌های پژوهش کیفی نیاز است. از آنجایی که پژوهش‌های پیشین درباره مباحث فرهنگی و به‌طور خاص نظریه خرده فرهنگ دهقانی، بیشتر با روش‌های کمی (پیمایش و پرسشنامه) انجام شده است (از جمله؛ کهن‌روز ۱۳۷۷؛ احمدرش ۱۳۸۱؛ محسنی‌تبریزی ۱۳۸۲؛ سرداریان قاسم‌آبادی ۱۳۸۳؛ موسوی ۱۳۸۴؛ حمیدیان و همکاران ۱۳۸۶)، و به نحوی که مورد نظر پژوهش‌گر بود (به‌صورت انتقادی و روش کیفی)، صورت نگرفته است. لذا؛ محقق در پژوهش حاضر، جهت شناخت و درک وجهه‌نظر دهقانان منطقه کهمان، برای آزمون نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز از فنون رهیافت کیفی استفاده نموده است. در واقع، انجام بررسی حاضر، مستلزم کاوش عمیق در

1 sub-culture
2 Chong

بررسی نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز ...

دیدگاه‌ها و ذهنیت مردم بود و استفاده از آرای از پیش تعیین شده نیز ممکن بود به نادیده گرفتن عوامل مهم و مؤثر در پژوهش منجر شود، بدین ترتیب، انجام پژوهش کیفی ترجیح داده شد. در رهیافت کیفی، معیار انتخاب موارد یا نمونه‌گیری پژوهش، با رهیافت کمی بسیار متفاوت است، به طوری که در پژوهش‌های کیفی، به افرادی که در پژوهش شرکت می‌کنند، فرد یا نمونه گفته نمی‌شود، بلکه مشارکت‌کنندگان^۱ یا افراد مطلع^۲ نامیده می‌شوند. کاملاً واضح است که تعداد مشارکت‌کنندگان پژوهش، برخلاف پژوهش‌های کمی از قبل مشخص نیست، بلکه به تدریج با جمع‌آوری و تحلیل منظم داده‌ها تا هنگامی که پژوهش‌گر به اشباع^۳ نظری دست یابد، ادامه خواهد یافت (بلیکی، ۱۳۸۴: ۳۰۸-۳۰۹).

در پژوهش حاضر، با فونونی از جمله مصاحبه عمیق، مشاهده همراه با مشارکت (طالب، ۱۳۹۰) و نیز بحث گروهی متمرکز^۴ (فلیک، ۱۳۸۸) با دهقانان منطقه کهمان شهرستان سلسله، سعی شده است که داده‌های لازم درباره وجهه‌نظر دهقانان با دو نمونه‌گیری مبتنی بر هدف^۵ (هدفمند) و نمونه‌گیری نظری^۶ جمع‌آوری شود. در آغاز پژوهش، داده‌ها با نمونه‌گیری مبتنی بر هدف جمع‌آوری شده است. زیرا نمونه‌گیری مذکور، به پژوهش‌گر کمک می‌کند که به طور هدفمند در فرایند پژوهش، از خود بپرسد که چه نوع اطلاعاتی نیاز دارد تا نمونه‌ها را بر مبنای آن انتخاب کنند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۷۶). داده‌هایی که به هر نحو (با مصاحبه، مشاهده رفتار، اعمال و وقایع) بعد از نمونه‌گیری مبتنی بر هدف به دست می‌آید و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، در گام بعد، زمینه را برای نمونه‌گیری نظری فراهم می‌کند. در نمونه‌گیری نظری بر مبنای یافته‌های اولیه پژوهش (که با نمونه‌گیری هدفمند حاصل شده است) پژوهش‌گر می‌تواند تشخیص دهد که به چه اطلاعاتی نیاز دارد، به کجا برود، در چه موقعیت‌هایی، ارزیابی‌های بعدی را انجام دهد (کین و کولی، ۲۰۰۶، به نقل از پارسانیا و توکل‌راد، ۱۳۹۰). از این‌رو، در پژوهش حاضر، از میان ۴۴۶ خانوار، ۴۰ دهقان سرپرست خانوار روستایی انتخاب گردید و فرایند تدریجی گردآوری داده‌ها تا زمان نیل به اشباع نظری ادامه یافت. در انجام پژوهش حاضر، محدودیت‌هایی وجود داشت. نیاز به انتخاب زمان مناسبی برای انجام مصاحبه‌ها

-
- 1 Participant
 - 2 Informant
 - 3 Saturation
 - 4 Focus Group Discussion
 - 5 Purposeful Sampling
 - 6 Theoretical Sampling

و همکاری دهقانان وجود داشت. در ضمن، به دلیل انجام بررسی در فصل کشاورزی، تلاش شد که همه مصاحبه‌ها و بحث‌های گروهی در ساعاتی از روز (هنگام غروب آفتاب) برگزار شود که زمان استراحت دهقانان بود. به همین دلیل، مردم در پاسخ به پرسش‌ها و مشارکت در بحث‌های گروهی، همکاری فراوانی داشتند. به منظور انجام بحث‌های گروهی متمرکز، هشت گروه پنج‌نفره تشکیل شد و پژوهش‌گر با مطرح کردن موضوعات مورد بررسی، بحث را آغاز می‌کرد. محقق در هنگام بحث‌های گروهی و مصاحبه‌ها، داده‌ها را روی کاغذ ثبت می‌کرد و در پایان هر روز، فرایند تفسیر و نمونه‌گیری تدریجی انجام می‌شد و گردآوری داده‌ها تا مرحله اشباع نظری ادامه می‌یافت.

یافته‌های پژوهش^۱

در پژوهش حاضر، که بر پایه عناصر خرده فرهنگ دهقانی انجام شده است. عناصر مذکور عبارت است از: خانواده‌گرایی، عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری، وابستگی به دولت، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی برای دستیابی به منافع آتی، دیدگاه زمانی محدود، محلی‌گرایی و همدلی که در ادامه، به طور اجمال، درباره هر کدام از مقوله‌های مذکور بحث می‌شود.

• خانواده‌گرایی

یافته‌های پژوهش درباره خانواده‌گرایی، بیان‌گر وجود خانواده‌گرایی شدید در روستاییان کهمان است. به طوری که اعضای خانواده‌های ساکن در روستای مذکور، وابستگی احساسی و قلبی فراوانی به یکدیگر دارند و خانواده را بیمه افراد می‌دانند. برای مثال: «... در خانواده‌های ما همه وظایف خودشان را انجام می‌دهند، و اگر خدایی نکرده یکی از اعضا در انجام کار ناتوان باشد اعضای دیگر خانه کارهایشان را انجام می‌دهند» (زن ۴۲ ساله). «... ما همیشه به هم کمک می‌کنیم تا بتوانیم باهم زندگی خوبی داشته باشیم. همکاری ما باهم نمی‌گذارد که باهم دعوا کنیم و بیشتر سعی می‌کنیم در تمام مراحل سخت زندگی حامی یکدیگر باشیم...» (مرد ۳۶ ساله). «هریک از ما فقط به خودمان فکر نمی‌کنیم، هیچ روستایی خودش را جدا از خانواده نمی‌داند. خوشحالی و ناراحتی ما با خوشحالی و ناراحتی خانواده مترادف است» (مرد ۲۹ ساله). «... من با کمک برادرانم کارهای کشاورزی را به نوبت انجام می‌دهیم... و یا وقتی برای یکی از اعضا مشکلی پیش می‌آید، همه اعضای خانواده برای برطرف کردن مشکل بسیج می‌شویم» (مرد ۵۳ ساله). «رابطه من با برادرانم علاوه بر نسبت برادری باهم دوست و رفیق هستیم. (براکس و براکس نمو) یعنی هیچ کس

۱ در پژوهش حاضر به خاطر رعایت ساختار مقاله سعی شده است که اهم نقل قول‌ها صرفاً به عنوان مصداق و در تأیید تحلیل به‌کار گرفته شوند.

بررسی نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز ...

نمی‌تواند جای خالی برادر را پر کند؛ چراکه دلسوزی و صمیمیت و احترام و از خودگذشتگی برادران نسبت به هم در این منطقه زیان زد می‌باشد» (مرد ۳۸ ساله).

براساس بررسی به عمل آمده، می‌توان به شدت خانواده‌گرایی در روستای مورد بررسی پی‌برد. خانواده‌گرایی در خانواده‌های گسترده، خود را در طایفه‌گرایی و محلی‌گرایی نشان می‌دهد، به طوری که فرد، ابتدا تکیه‌گاه اصلی خود را اعضای خانواده و سپس عموها، دایی‌ها و غیره می‌داند.

روحیه خانواده‌گرایی را می‌توان به دو نحو مورد بررسی قرار داد. همان طور که طالب (۱۳۸۷): (۱۰۶) مطرح کرده است، خانواده‌گرایی در جنبه مثبت آن، باعث ایجاد انگیزه پیشرفت برای اعضا، کارآفرینی، نوآوری و نیز ایجاد فرصت‌های ترقی برای یکدیگر و تأمین اجتماعی و حمایت از افراد (تحصیل یکی از اعضا و کار همه برای تأمین معاش) می‌شود و می‌توان آنرا نوعی درون‌گرایی دانست. ولی در جنبه منفی خانواده‌گرایی، بحث افراط مطرح می‌شود. به طوری که اگر درون‌گرایی شدت یابد باعث می‌شود، فرصت‌هایی که در نتیجه تعامل با دیگران و برون‌گرایی حاصل می‌شود، از بین برود. پس می‌توان نتیجه گرفت که باید تعادلی بین جنبه درون‌گرویی و برون‌گرویی خانواده‌گرایی وجود داشته باشد. همان‌طور که بیان شد، خانواده‌گرایی و توسعه، به موازات یکدیگر در روستاهای منطقه وجود داشته است. بنابراین؛ خانواده‌گرایی مورد توجه راجرز، نه تنها مانع توسعه نیست، بلکه عامل پیشرفت نیز محسوب می‌شود. زیرا در روستاهای مورد بررسی مشاهده گردید که با وجود خانواده‌گرایی شدید، توسعه پدید آمده است. در دیدگاه‌های نئونهادگرا و پساتوسعه، بر احیاء خانواده-گرایی و محلی‌گرایی توجه شده است، درست عکس دیدگاه نظریه پردازان لیبرالیسم که منشاء نابرابری و بی‌عدالتی را خانواده دانسته و سپس فروپاشی خانواده را هدف قرار داده‌اند. با توجه به نتایج پژوهش‌های پیشین، روشن شدن ناکارآمدی نظریه‌های مذکور و یافته‌های پژوهش حاضر، خانواده-گرایی نه تنها مانع توسعه نیست، بلکه محرک و جایگزینی (پناهگاهی برای فرار از آسیب‌های توسعه) برای آن نیز است. در واقع، می‌توان افزایش حس خانواده‌گرایی را پیامد توسعه نامتوازن دانست.

• فقدان نوآوری^۱

براساس بررسی انجام شده، مشخص گردید که دهقانان منطقه، علاقه فراوانی به انجام کار دارند، البته کاری که از طریق وسایل و امکانات خودشان انجام دهند و در استفاده از آن، با مشکلی مواجه نشوند. برای مثال جوان ۲۹ ساله در روستای مذکور می‌گفت:

1 Lack of innovativeness

«من بخاطر رفاه حال پدر و مادرم و همچنین استفاده از تکنولوژی جدید، گاو و گوسفندهایمان را فروختم و همین طور زمین‌های کشاورزی رو به رعیت دادم، از اون روز پدرم بشدت افسرده شده و کارهای کشاورزی همسایه را انجام می‌دهد، به طوری که بعد از کار وقتی به خانه می‌آید، احساس آرامش می‌کند و من را بخاطر کارم سرزنش می‌کند...»

براساس بررسی به عمل آمده از دهقانان منطقه کهمان می‌توان گفت؛ افراد روستایی، انگیزه فراوانی برای انجام کار دارند، کاری که مبتنی بر زحمت باشد، - نه کارهای سرمایه‌بر که برای انجام آن به استفاده از فناوری نیازمند است- و بیشتر به استفاده از امکانات و وسایل سنتی خودشان علاقه دارند، زیرا در منطقه مورد بررسی، نیروی کار جوان بیکار، زیاد است و استفاده از فناوری‌های جدید، نه تنها بیکاری را حل نمی‌کند؛ بلکه باعث بیکاری بسیاری از افراد نیز می‌شود. به همین دلیل، بیشتر مردم مایل هستند که فناوری‌های کوچک کاربری را مورد استفاده قرار دهند تا هم برای افراد، اشتغال ایجاد شود و هم مطابق با فرهنگ خاص خودشان، امکان انجام نوآوری وجود داشته باشد. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که در حال حاضر، کمبود نوآوری (مطابق با دیدگاه راجرز) به دلیل پیدایش پیامدهایی است که افراد مذکور، در نتیجه تجربه توسعه ملاحظه کرده‌اند. فرایند توسعه‌ای که در آن فناوری وارد گردیده و متعاقب آن، برای از بین بردن فرهنگ بومی تلاش شده است. بنابراین، می‌توان گفت که بحث کنونی درباره نوآوری در جامعه مذکور، عکس دیدگاه راجرز است (که پیدایش نوآوری را منوط به کاربرد فناوری جدید می‌داند). به طوری که روستاییان مورد بررسی، با وجود رشد اقتصادی، نوآوری را در احیاء باورها و سنت‌های گذشته و تولید و استفاده از صنایع دستی و میراث فرهنگی جامعه خود می‌دانند که در تاریخ از قدمت برخوردار است. در نهایت، می‌توان گفت که چنین واکنشی در نتیجه عملکرد نامطلوب توسعه حاصل شده است که مردم را به تفکر درباره شناخت گذشته خود واداشته است. روستاییان انسان نوآور را فردی می‌دانند که بیشتر به اصول و باورهای گذشته پایبند بوده است و افرادی را که اسیر مدگرایی شده‌اند را به عنوان انسان‌های از خودبیگانه و دورافتاده از اصل و نسب خویش می‌دانند.

• عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی^۱

در منطقه روستایی کهمان مصاحبه‌هایی نیز درباره موضوع اعتماد اجتماعی انجام شد. مصاحبه‌شوندگان با بیان مسائلی از زندگی، معتقد بودند وقایع زندگی امروزی، موجب ایجاد بی‌اعتمادی شده است. آنها از کاهش اعتماد به یکدیگر ناراضی بودند.

1 Lack of intertrust in interpersonal relations

بررسی نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز ...

«در گذشته، مردان منطقه وقتی برای جمع آوری میز و شکار و غیره، منزل را ترک می‌کردند، دو سه نفر (مردی) که در روستا می‌ماندن، تمام کارهای این خانوارها را انجام می‌دادند و هیچ‌گونه حس بی‌اعتمادی نسبت به افراد وجود نداشت، ولی امروزه هیچ‌کس حاضر نیست که به اقوام نزدیکش هم اعتماد کند.» (مرد ۶۷ ساله).

مصاحبه شونده دیگری، بر مسئله اقتصادی (پول قرض گرفتن) تأکید می‌کرد. وی معتقد بود:

«بارها برای اهالی روستا پیش آمده که به هم‌دیگر پول قرض بدهیم، در آن زمان افراد اصلاً احساس بی‌کسی نمی‌کردند؛ آنها خیال‌شان از این بابت جمع بود که با مراجعه به هر کدام از افراد ده، به اندازه وسعش به فرد پول قرض خواهند داد. دلیل این کارشان این بود که می‌دانستند که اولاً این شخص نیازمند است و دوماً این شخص بخاطر احترامی که برای من و حیثیت خانواده خودش قائل بوده و همچنین از همه مهمتر بخاطر قولی که داده، حتماً پول رو پس خواهد آورد...» (مرد ۵۹ ساله).

پاسخگوی دیگر معتقد بود که «در گذشته، حرف آدما برای هم سند بود و خیلی وقت‌ها طرف برای انجام کاری ریش یا سبیل خودش را گرو می‌گذاشت، ولی امروزه هر چی هم از طرف چک و سفته و ... داشته باشی، برای انجام معامله‌ای با مشکلات زیادی روبرو خواهی شد.» (مرد ۷۲ ساله).

همان‌طور که از مصاحبه‌ها استنباط می‌شود، امروزه، اعتماد مردم به یکدیگر، نسبت به گذشته کاهش یافته و آنها از زندگی در چنین وضعیتی، راضی نیستند و با افسوس درباره گذشته صحبت می‌کنند. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت دیدگاه راجرز درباره وجود اعتماد کم در بین روستاییان، در منطقه مورد بررسی ملاحظه نگردید. اولاً، در جامعه مورد بررسی، اعتماد در گذشته (قبل از ورود فناوری و توسعه) نسبت به امروز بسیار فراوان بوده و دوم اینکه، امروزه میزان اعتماد به میزای بسیاری کاهش یافته است که دلیل آن را می‌توان نتایج توسعه دانست که آسیب‌های اجتماعی فراوانی را پدید آورده است. زیرا تنها تحولی که در روستاها پدید آمده است، ورود فناوری و کالاهای فرهنگی غربی بوده که سنت‌ها و آداب و رسوم بومی را هدف خود قرار داده و عامل پیدایش بی‌اعتمادی در جامعه بوده است.

• محلی‌گرایی^۱

محلی‌گرایی به گرایش فرد به درون نظام اجتماعی خود اطلاق می‌گردد. دو تعبیر عمده در مقابل پدیده محلی‌گرایی در جامعه دهقانی عبارت است از: تحرک جغرافیایی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۳۱). به اعتقاد راجرز، دهقانانی که تحرک جغرافیایی کمتری دارند و از تعداد

نسبتاً کمی وسایل ارتباط جمعی استفاده می‌کنند، حس محلی‌گرایی بیشتری دارند. وی آن را مانعی برای توسعه در نظر گرفته است.

روستاهاى منطقه کهمان (گرکان و دره تنگ سفلی و علیاء) در حدود ۱۰-۱۲ کیلومتری شهرستان سلسله قرار دارد. همچنین به دلیل ورود فناوری در آنجا، اکثر ساکنان اتومبیل شخصی دارند و تردهای گسترده افراد در شهر ملاحظه می‌شود. البته تحرک جغرافیایی آنها، فقط در این حد نیست، بلکه مسافرت‌هایی نیز به مکان‌های دیدنی در سرتاسر ایران داشته و فرزندان‌شان نیز برای تحصیل به کشورهای مانند چین، انگلستان، کانادا سفر کرده‌اند. همه موارد مذکور را می‌توان نمونه‌هایی از تحرک جغرافیایی فراوان مردم منطقه فوق دانست. در حالی که محلی‌گرایی و احساس تعلق افراد - اشخاصی که در روستا زندگی می‌کنند و افرادی که در گذشته از روستا به شهر نقل مکان کرده‌اند - به روستا و طایفه‌شان، نه تنها کاهش نیافته، بلکه در بعضی از آنها بیشتر نیز شده است. مصاحبه‌شوندگانی که از شهر به روستا، مهاجرت کرده بودند، از بازگشت به دیار پدری خود، احساس رضایت می‌کردند. دیاری که در آن صمیمیت، صداقت و احساس آرامش وجود دارد. آنها از اینکه مدتی را به دور از هم‌محله‌ای‌هایشان زندگی کرده بوند، احساس پشیمانی می‌کردند.

در ضمن، برخی پژوهش‌گران معتقدند که در جوامع روستایی که وسایل ارتباط جمعی نسبتاً کمی وجود دارد، محلی‌گرایی فراوان است و محلی‌گرایی را مانع توسعه در نظر گرفته‌اند. در منطقه مورد بررسی، شاهد استفاده گسترده از وسایل پیشرفته ارتباط جمعی، از جمله تلویزیون‌هایی با مدل‌های بالا (LCD - LED) و نیز ماهواره و اینترنت بودیم که اکثر خانه‌ها مورد استفاده قرار می‌دهند. مردی ۶۵ ساله، در این باره بیان کرد:

«در طول شبانه‌روز، چندین بار اخبار و مسائل روز را پی‌گیری و همچنین برنامه‌های تلویزیونی را مشاهده می‌کنم.»

روستاییان در عین استفاده از وسایل ارتباط جمعی، روحیه محلی‌گرایی فراوانی دارند. مصاحبه‌شوندگان در محیط‌های بیرونی نیز احساس تعلق و حتی تعصب به روستای خود داشته و علاوه بر محلی‌گرایی (علاقه و تعلق به روستای خود) طایفه‌گرایی - که از خانواده‌گرایی شروع شده - نیز ملاحظه شده است.

«ما در همه زمینه‌های زندگی، هیچ وقت پشت هم‌محله‌ای [افراد طایفه و روستای خودمان را خالی نمی‌کنیم، هر چه باشد، از قوم و طایفه و دارو دسته ماست و کوچک‌ترین اهانت به هریک از افراد روستا و طایفه، به منزله از دست دادن منزلت و جایگاه اجتماعی طایفه و روستا است» (مرد ۴۵ ساله).

بررسی نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز ...

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چرا با وجود اعتقاد نظریه‌پردازان نوسازی (راجرز) به اینکه محلی‌گرایی، مانع توسعه روستاهاست، در جامعه مورد بررسی، تحرک جغرافیایی (سفرهای خارجی) و استفاده گسترده از وسایل ارتباط جمعی (ماهواره، تلویزیون و اینترنت و غیره) و توسعه ملاحظه می‌شود، محلی‌گرایی مردم نه تنها کاهش نیافته، بلکه بیشتر نیز شده است. چرا با وجود توسعه در منطقه روستایی کهمان، همچنان حس محلی‌گرایی وجود دارد همان‌طور که می‌دانیم اقدامات توسعه‌ای در ابتدا برای نابودی خرده‌فرهنگ‌های مذکور انجام شده بود، ولی ما اکنون شاهد توسعه منطقه و افزایش محلی‌گرایی هستیم. به بیان دیگر، می‌توان گفت که توسعه باعث شکوفاتر شدن و توجه دوباره به سنت‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها شده است. با انجام مصاحبه‌هایی با روستاییان، به دلیل احساس تعلق و محلی‌گرایی افراد پی برده شد. مصاحبه‌شونده‌ها دلیل آن را بیشتر فشارهای فرهنگ غالب می‌دانستند. مردم قادر به اجرای آن چیزی نبودند که فرهنگ غالب از آنها انتظار داشت. فرهنگی که در بافت اجتماعی و تاریخی دیگری رشد کرده و بر آنها تحمیل و باعث فراموشی سنت‌هایشان شده بود. آنها از وضعیتی که باعث دوری و غربت افراد شده است، ناراضی بودند. غربتی که در آن نه اعتمادی وجود دارد و نه همدم مورد اطمینانی که بتوان با او درد و دل کرد.

«امروزه شرایط طوری شده است که هرکس فقط به دنبال سیر کردن شکم خود است و اصلاً به فکر هم‌نوعان خود نیستند.» (زن ۶۷ ساله).

پاسخ‌گوها درباره مزیت‌های محلی‌گرایی‌شان نیز صحبت کردند.

«در طایفه ما حس همدردی و صمیمیت به قدری زیاد است که در هنگام فوت، یکی از اقوام برای احترام به شخص و خانواده ایشان؛ حتی اقوام دور تا چهل روز لباس سیاه بر تن کرده و تمام کارهای (کشاورزی و ...) خانواده داغ‌دیده را افراد روستایی انجام می‌دهند و از این طریق احساس همدردی می‌کنند. و همین‌طور در مراسمات دیگر از جمله جشن‌ها و عروسی تمام افراد روستا برای پذیرایی از مهمانان بسیج می‌شوند که کارها را خودشان با توجه به احساس مسئولیتی که دارند، انجام دهند.» (مرد ۵۴ ساله).

بر اساس یافته‌های پژوهش، با وجود پیدایش توسعه، افراد از وضعیت پدید آمده، ناراضی‌اند و به دنبال احیاء صمیمیت و صداقتی هستند که در گذشته وجود داشت. افراد معتقدند که یگانه چیزی که از سنت‌ها برای ما باقی مانده است، روحیه همیاری و کمک به یکدیگر در زمان بروز دشواری‌ها است. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که روستاییان مذکور، به منظور فرار از توسعه، به خرده‌فرهنگ‌ها و سنت‌ها پناه برده‌اند.

• دیدگاه زمانی محدود

بر اساس یافته‌های پژوهش، زمان در جامعه مورد بررسی، نسبت به شهر ماهیت متفاوتی دارد. همان‌طور که بیان شد، زندگی دهقانان در جامعه مذکور، براساس ثانیه، دقیقه یا ساعت شکل نمی‌گیرد، بلکه سنجش زمان بر طلوع و غروب خورشید، آمدن یا پنهان شدن ماه یا بر فصول و سال‌های دراز و بی‌پایان استوار است. مفهوم زمان در جامعه مورد بررسی نسبت به جوامع شهری متفاوت است، به طوری که مصاحبه‌شونده‌ها معتقد بودند:

«... ما وقتی که در مزارع کار می‌کردیم، برای تعطیل کردن کار، یک سری نشانه‌ها را برای تعیین زمان در نظر داریم. برای مثال، در آن منطقه‌ای که ما مشغول کار بودیم، هنگامی که سایه صخره به یک حدی می‌رسید، نشان‌دهنده یک زمان خاصی بود که بایستی کار را تعطیل می‌کردیم تا به موقع به خانه برگردیم» (مرد ۴۱ ساله).

«ما برداشت گندم و جو را در (می ریو) انجام می‌دهیم... و معمولاً باز پرداخت معاملات در می‌ریو است، در این زمان کشاورزان محصول خود را فروخته و صاحب پول می‌شویم... (مرد ۶۵ ساله) و همچنین کاشت محصول را در قبل از پاییز یا آذر انجام می‌دهیم...» (مرد ۷۴ ساله).

همان‌طور که در مصاحبه‌های فوق ملاحظه می‌شود، معنا و مفهوم زمان در روستاهای مورد بررسی، با شهر متفاوت است. متفاوت بودن معنای زمان، به معنای کم‌اهمیت بودن زمان نیست، بلکه زمان برای روستاییان در معنای خاص خودشان اهمیت فراوانی دارد؛ چراکه ماهیت کار در روستا نسبت به شهر متفاوت است.

مصاحبه‌شوندگان مایل نبودند گرفتار نظم خسته‌کننده و تکراری شهری شوند، زیرا آنها این وضعیت را لمس کرده‌اند و خواهان زندگی منعطف و غیرخسته‌کننده‌اند. به همین دلیل، روستاییان مورد بررسی، اهمیت کمی را برای زمان (شهری) نسبت به زمان مورد نظر خودشان قائل هستند. به ویژه، زمانی که این وضعیت، آنها را به تحمل ساختاری تکراری مقید می‌کند و باعث دلزدگی از نقش‌هایشان نیز می‌شود.

• وابستگی به دولت

درباره وابستگی به دولت که راجرز آن را مانع توسعه روستایی می‌دانست، مباحث فراوانی مطرح شده است. به طوری که یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها در منطقه روستایی کهمان، بیان‌گر دو جنبه

1 ماه اول تابستان است. MEREYOO

2 پانزده آبان، یا سپهری شدن ۴۵ روز از پاییز که زمان بارش باران است. PAEEZ PELA

بررسی نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز ...

است: جنبه اول، وابستگی اقتصادی- مالی روستاییان است که اجرای بعضی برنامه‌های توسعه‌ای، باعث پیدایش چنین وضعیتی شده است. از زمان پرداخت یارانه به مردم، وابستگی آنها به دولت زیاد شده و انتظاراتشان از آن افزایش یافته است. به طوری که یک روز تأخیر در واریز یارانه‌ها، موجب پیدایش مسائل و مراجعه فراوان به عوامل ذیربط شده است.

جنبه دوم، به انتظارات مردم از نهاد دولت در حل مسائلی مربوط است که در روستا و بین دهقانان ایجاد می‌شود. بر خلاف جنبه اول، در اینجا وابستگی کمتری به دولت وجود دارد، به طوری که مردم انتظار ندارند دولت کارهایی مانند لایه‌روبی انهار، پل‌سازی، ایجاد راه‌ها و تعمیرات آنها و غیره را انجام دهد، مگر در مواقع ضروری که توان انجام آن را نداشته باشند. زیرا اکنون در بین جوانان روستایی، مهندسان عمران و راه و ساختمان و کشاورزی و سایر رشته‌های فنی وجود دارد. به همین دلیل، روستاییان در انجام امور مذکور، به دولت وابسته نیستند. بلکه پیرمردان و جوانان روستایی که هنر و تخصصی دارند، به رفع مشکلات و مسائل جامعه‌شان می‌پردازند. علاوه بر این، نزاع‌هایی که در بین افراد ایجاد می‌شود، اکثراً توسط ریش‌سفیدان منطقه (شوراهای حل اختلاف) حل شده و کمتر جنبه پلیسی و قضایی یافته است. پرسشی که درباره این موضوع مطرح می‌شود، این است که چرا افراد منطقه در انجام امور فوق، به دولت وابسته نیستند و در انجام امور مذکور، اصول مشارکتی خاصی وجود دارد و افراد از مسئولیت‌پذیری و تعهد برخوردارند. یافته‌های پژوهش درباره همیاری، بیانگر تأثیر طرح توسعه‌ای منطقه سلسله است که مجید رهنما در دهه ۱۳۵۰، در این منطقه اجرا کرده بود.^۱ به اعتقاد پاسخگویان، فعالیت‌های رهنما در منطقه مذکور، باعث شده است که بیشتر بتوانیم با همدیگر کار کنیم و مهارت‌های اصولی فراوانی را در انجام کارهای روستایی یاد بگیریم. با توجه به وجود روحیه همیاری روستاییان که ویژگی خاص چنین جوامعی است، مردم تأکید می‌کردند که ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی رهنما، عاملی مؤثر در ایجاد حس همیاری و مشارکت در توسعه روستاها بوده است. بیان مطلب مذکور درباره رهنما، مؤید سخن هاگن^۲ است: «به همه گوش کن، از همه بیاموز، هیچ کس همه چیز را نمی‌داند، اما هر کس، چیزی می‌داند» (۲۰۰۲: ۷) که بیانگر توسعه مشارکتی از پایین به بالا است. در نتیجه، می‌توان گفت که یکی از عوامل مؤثر بر وابستگی کمتر مردم به دولت،

۱ برای مطالعه بیشتر درباره این موضوع به رساله کارشناسی ارشد با موضوع "بازاندیشی طرح توسعه سلسله" در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران رجوع شود.

2 Hogan

توانمندسازی بوده که در بطن طرح توسعه‌ای سلسله ایجاد شده است و مردم منطقه نیز به خوبی این مزیت طرح را یاد گرفته‌اند. در ضمن این نوع اقدام، به شیوه‌ای در بافت تاریخی- اجتماعی مردم وجود داشته و از همه مهمتر، احساس اثربخشی و مهارت‌زایی را پدید آورده است.

• تقدیرگرایی^۱

راجرز تقدیرگرایی را به درجه‌ای از درک فرد به عدم توانایی‌اش در مورد کنترل آینده تعریف کرده است. به اعتقاد راجرز، دهقانان "سرنوشت" را قدر مطلقه در تعیین بدبختی و موفقیت‌های خود می‌دانند (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۲۴). راجرز معتقد است که در جامعه‌ای که تقدیرگرایی وجود داشته باشد، توسعه‌ای نیز رخ نخواهد داد. در جامعه مورد بررسی، علاوه بر وجود امکانات، فناوری و سطحی از توسعه‌یافتگی، تقدیرگرایی نیز وجود دارد. یکی از پرسش‌های مورد توجه این است که چرا با وجود تقدیرگرایی در منطقه، توسعه نیز پدید آمده است و چه عاملی باعث پیدایش تقدیرگرایی در بین مردم شده است؟

براساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که تقدیرگرایی در سنت و بافت اجتماعی- تاریخی منطقه وجود داشته است و وجود آن، آرامش روحی- روانی و رضایت از زندگی را برای مردم ایجاد می‌کند و موجب صبر و استقامت و تدبیر^۲ بیشتر درباره امور شده است. زیرا مردم با داشتن این نوع نگاه، در صورت عدم دستیابی به آرزوها و عدم رفع مشکلات، خود را سرزنش نمی‌کنند و آن را تقدیر روزگار می‌دانند و برای خودسازی و تعالی روحی تلاش می‌کنند. همان‌طور که مطرح شد، توسعه پدید آمده، آسیب‌های اجتماعی فراوانی نیز ایجاد کرده است. روستاییان بیشتر به احیاء سنت‌ها و تقدیرگرایی گرایش داشتند و معتقد بودند که با وجود داشتن سنت‌ها و اعتقاد به تقدیر، بسیاری از آسیب‌ها و مسائل از بین خواهد رفت.

همان‌طور که گیدنز مطرح کرده است، در این جامعه جهانی، سنت کاملاً از میان نمی‌رود، بلکه در برخی جنبه‌ها، احیاء نیز می‌شود. بنیادگرایی شکلی از بازاندیشی در جامعه سنت‌زدایی شده است. در دیدگاه گیدنز، تجربه بنیادگرایی، از عناصر سنت است که باعث پیدایش هیجان در فرد و جامعه می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۹: ۷۶؛ عنبری، ۱۳۹۰: ۲۳۵). به باور سید حسن نصر، سنت حقایقی را آشکار می‌کند که دارای ماهیتی فراشخصی است که ریشه در ذات حقیقت دارد. به عبارت دیگر، سنت در آن

1 fatalism

۲ تدبیر به معنی حداکثر تلاش فرد در تمام جنبه‌های زندگی، از جمله جنبه‌های مادی در چارچوب توانایی‌هایش است.

بررسی نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز ...

واحد هم حقیقت است و هم حضور. نصر معتقد است، «سنت علمی است که بیش از اندازه واقعی است». در نظر سنت‌گرایان، این دانش «بیش از اندازه واقعی» معطوف به «علم قدسی» است که در گوهره سنت قرار دارد. آنچه سنت‌گرایان سخت به آن می‌اندیشند، فواید و ثمرات سنت است، به ویژه که در دنیای مدرن مورد تهدید قرار گرفته‌اند. بنابراین به این معنا سنت‌گرایی، آرمانی است که با سنتی زیستن متفاوت است و موضعی بیرونی نسبت به خود سنت محسوب می‌شود. سنت‌گرایان معتقدند که انسان‌ها، از حیث انسان بودن، ذاتاً از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردارند که راه وصول به حقیقت مطلق را می‌توانند دریافت کنند. کار ویژه سنت، در نظر سنت‌گرایان خاطره‌ای نوستالژیک است که از آن به عنوان امری مقدس و پاک یاد می‌کنند. این مورد نیز قابل توجه است که سنت‌گرایان سنت را درگیر با شکل‌هایی از مراسم و آیین‌های رفتاری و اسطوره‌ای نمی‌دانند. بلکه اینان، سنت را [امری] پویا تصور می‌کنند که سمت‌دهنده رفتار جمعی بشر است. (کلانتری ۱۳۹۰: ۶۲) نصر راه نجات انسان دنیای مدرن را بازگشت به سنت و معنویت می‌داند.

• پایین بودن سطح آرزوها^۱

بر اساس مصاحبه‌های انجام شده، سطح آرزوها و انگیزه پیشرفت در بین روستاییان مورد بررسی، نه تنها کم نبوده، بلکه فراوان نیز بوده است. به طوری که مصاحبه‌شوندگان پیر و میانسال، این نکته را بیان کردند:

«که زندگی من رو به پایان است و تمام فکر و ذکر، پیشرفت تحصیلی فرزندانم می‌باشد» (مرد ۵۳ ساله).

در منطقه مورد مطالعه، تحصیل و داشتن مدارک تحصیلی بالا، منزلت اجتماعی را برای خانواده و طایفه آنها به بار خواهد آورد که حتی چند تن از آنها اشاره به این داشتند که سعی در فراهم آوردن امکانات برای فرستادن فرزندان‌شان به خارج از کشور جهت تحصیل هستند.

همچنین در پاسخ به این پرسش که اگر شما صاحب ۱۰۰ میلیون تومان شوید، با این پول چه کار خواهید کرد؟ پاسخ‌های متفاوتی را مطرح کردند. با یک جمع‌بندی کلی، می‌توان گفت که رفع نیازهای ضروری در اولویت است و بعد از آن، اکثر افراد به سرمایه‌گذاری برای تحصیل فرزندان‌شان و نیز گسترش دامداری و عمقی کردن کشت برای گلخانه‌ای کردن محصولات کشاورزی می‌پردازند. مقداری وجه نیز برای کمک به تعمیر مسجد روستا و در نهایت، مبلغی برای فقرا در نظر گرفته

1 Law aspirational Levels

می‌شود که در واقع، خمس و زکات محسوب می‌گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در منطقه مذکور، انگیزه پیشرفت متفاوتی با دیدگاه راجرز در این خصوص وجود دارد. به طوری که روستاییان، جنبه جمعی- فردی و نیز معنوی- مادی زندگی را مورد توجه قرار می‌دهند. قناعت و صرفه‌جویی در بین روستاییان، بیشتر برای تعالی فرزندان‌شان بوده است و در واقع، آنها به دنبال سرمایه‌گذاری بلندمدت بوده‌اند. پس نمی‌توان گفت که سطح آرزوها در بین مردم روستایی پایین است. نکته جالب توجه این است که آرزوها در بین مردم این منطقه، نه تنها فردی نیست، بلکه بیشتر برای پیشرفت جمعی و خانوادگی مورد توجه بوده است.

• **عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی برای دستیابی به منافع آنی^۱**

مقوله مذکور، به معنی به تأخیر انداختن رفع نیازهای فوری، به منظور کسب منفعت بیشتر در آینده است. بر اساس نظریه راجرز، دهقانان از منافع آنی خود به منظور کسب منافع آنی صرف‌نظر نمی‌کنند. برای مثال، اگر روستایی پولی به دست آورد، به جای پس‌انداز آن برای رفع نیازهای آنی خود، بیشتر مایل است که فوراً آن را خرج کند (ازکیبا، ۱۳۸۷: ۱۲۷).

همان‌طور که ملاحظه شد، روستاییان مورد بررسی از آینده‌نگری برخوردار بودند، به طوری که سرمایه‌گذاری برای تحصیل و موفقیت فرزندان‌شان را بر کاهش دشواری‌های فعلی در زندگی‌شان ترجیح می‌دادند و معتقد بودند که «محصول عمر ما، در به بار نشستن همین فرزندان است». نگرش روستاییان در این باره بر این موضوع دلالت می‌کند که پدران و حتی مادران این روستا، خود را وقف آیندگان (فرزندان‌شان) می‌کنند. والدین به تعالی فرزندان‌شان امید دارند. به طوری که برای تأمین امکانات لازم برای فرزندان تلاش می‌کنند. بنابراین، می‌توان این وضعیت را بیان‌گر توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی (خرج و خوشگذرانی سرمایه، بدون توجه به آیندگان) به منظور دستیابی به منافع آنی (تحصیل و پیشرفت فرزندان و سرمایه‌گذاری) در میان روستاییان در نظر گرفت. اعتقاد دیگری که در این حوزه وجود دارد، این است که اگر روستایی پولی به دست آورد، به جای پس‌انداز آن برای رفع احتیاجات آنی خود، بیشتر مایل است که فوراً آن را خرج کند. شایان ذکر است که نه تنها روستایی، بلکه هر شخص دیگری تا زمانی که نیازهای اولیه‌اش برطرف نشده باشد، به پس‌انداز فکر نخواهد کرد. به قول ایسوپ فابل^۲ فقدان چشم‌پوشی از منافع آنی، بیشتر بیانگر «موقعیت ملخ‌های گرسنه است

1 Alack of Defferred Gratification

2 Aesop Fable

بررسی نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز ...

تا وضعیت مورچه‌هایی با آذوقه کافی» (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۲۸). پس می‌توان نتیجه گرفت که اکنون در جامعه روستایی مورد بررسی، این موضوع صادق نیست. به طوری که مصاحبه‌ها بیانگر این است که افراد توان چشم‌پوشی از منافع آنی برای دستیابی به منافع آتی را دارند، مگر اینکه نیازهای اولیه‌شان رفع نشده باشد.

• همدلی^۱

لرنر همدلی را به میزان توانایی فرد در تصور خویش در نقش دیگران تعریف کرده است. سوالی که لرنر از دهقانان پرسیده این بوده که اگر رییس جمهور کشور شوند چه اقداماتی انجام خواهند داد. در پژوهش حاضر نگارندگان با پرسیدن همین سوال، دهقانان پاسخ‌های متفاوتی را جواب دادند. عده‌ای در پاسخ می‌گفتند که اولین کاری که انجام بدهیم رسیدگی به وضعیت فقرا و افراد روستایی است. عده دیگر بهبود وضعیت اقتصادی را مطرح می‌کردند، و همین‌طور ایجاد عدالت در جامعه. افرادی هم معتقد بودند که اگر رییس جمهور باشم نسبت به کشورهای غاصب مثل امریکا و اسرائیل که بر ضد دین اسلام هستند برخورد جدی می‌کنم. همان‌طور که از مصاحبه‌ها پیداست در میان مردم منطقه همدلی وجود داشته است. بدین ترتیب این عنصر نیز گواهی بر رد نظریه خرده فرهنگ دهقانی می‌باشد.

انتقادهایی بر پارادایم توسعه (به طور خاص نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز):

به پارادایم توسعه (مکتب نوسازی) که رویکردی کارکردگرایانه و تطوری دارد، انتقادهای زیادی مطرح شده است. برخی انتقادها به پارادایم مذکور، متوجه زمینه و گفتمانی است که این پارادایم در آن نضج و پرورش یافته است. ایده‌های غربی شدن، اروپایی شدن و امریکایی شدن به عنوان مسیر توسعه در این پارادایم، قبل از همه، مورد انتقاد صاحب‌نظران است. انتقادات دیگر، عمدتاً مبتنی بر نگاه بنیادین به توسعه، مراحل آن و نقش ارزش‌ها در آن است. به اعتقاد منتقدان، توسعه‌گرایان از درک سنت‌ها و پیشینه فرهنگی ملل کم‌توسعه‌یافته ناتوان بوده‌اند. صاحب‌نظران مکتب وابستگی نیز معتقدند که پارادایم مذکور از مسئله سلطه خارجی، به عنوان مهم‌ترین عامل توسعه‌نیافتگی در جهان سوم غفلت کرده است. انتقاد دیگر به پارادایم فوق، به ایستایی و غیرتاریخی بودن اغلب پژوهش‌هایی

1 Empathy

مطرح گردیده که بر پایه این دیدگاه انجام شده است. بر همین اساس، ضیای^۱ (۲۰۰۴) توسعه را به مثابه گفتمانی اروپامدارانه، امپریالیستی و در نهایت، فاقد معنا و مفهوم می‌داند. با تأکید بر مفاهیم طبقه و اروپامداری/ عقل‌محوری مدرنیته و جانشینی آنها با سبک زندگی، محلی‌اندیشی/ روایت‌محوری در قالب نظریه‌های مابعدنوگرایی، در حوزه توسعه نیز نمود کافی می‌یابد و چالش‌های جدیدی را نیز ایجاد می‌کند. می‌توان هم‌سخن با کمپ^۲ (۲۰۰۶) گفت که توسعه در حل مسایلی که خود ادعا داشت که برای حل آنها به وجود آمده، نه تنها ناتوان بوده است، بلکه در مواردی باعث بدتر شدن آنها نیز شده است. «توسعه ایدئولوژی بود که در غرب متولد شد و در آنجا نضج گرفت، عمدتاً به علت نیاز قدرت‌های مسلط در جهت جستجوی ابزاری مناسب برای گسترش اقتصادی و ژئوپولیتیک‌شان» (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۸۱). توسعه دقیقاً یک مسئله بود و نه راه‌حل. (پیت، هارت و یک، ۱۳۸۴: ۲۱۷).

«ایده توسعه در دورنمای فکری، همانند یک خرابه است. ناامیدی، سرخوردگی و وهم، همراهان همیشگی توسعه بوده‌اند و حکایت مشترکی را نقل می‌کنند: ایده توسعه کارایی ندارد. از این گذشته، شرایط تاریخی که این ایده را به اوج رسانده‌اند، از بین رفته‌اند» (ساجس^۳، ۱۹۹۲: ۱) به نقل از پیت (۱۳۸۴). همان طور که ساجس (۱۹۹۲) بیان کرده است: «تاریخ مصرف توسعه، گذشته است. اما بیش از همه، امیدها و آرزوهایی که توسعه بر ساخته بود، اینک بر باد رفته‌اند. توسعه دیگر منسوخ شده است» (پارافیت^۴، ۲۰۰۲: ۳).

در پژوهش حاضر که با هدف بررسی نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز با نگاهی جدید انجام شده، انتقادهایی به نظریه مذکور مطرح شده است. از جمله انتقادهای وارده به بررسی‌های پیشین، به ویژه بر پژوهش راجرز این است که وی به تحلیل صفت‌های متسبب به جامعه روستایی و خرده‌فرهنگ دهقانی نپرداخته است. به عبارت دیگر، سعی نکرده است به چرایی وجود عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی جواب دهد، و به لحاظ روش‌شناختی نیز ضعف‌های فراوانی دارد، زیرا وی بر اساس بررسی‌هایی معدود، به تعمیم‌پردازی مفرط پرداخته است. در واقع، وی جامعه دهقانی را به نحو مجزا در نظر گرفته است. به اعتقاد ازکیا (۱۳۸۷) ماهیت عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی که راجرز بیان کرده

1 Ziai
2 Kemp
3 Sachs
4 Parafitt

بررسی نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز ...

است، به نحوی است که تشخیص داده‌های واقعی در مورد هر یک از عناصر مذکور را مشکل می‌کند. از همه مهم‌تر این‌که، همه عناصر مذکور، به عنوان عوامل منفی و بازدارنده توسعه اقتصادی فرض شده است. بدین ترتیب، این پرسش مطرح می‌شود که آیا عنصر مثبتی در خرده‌فرهنگ دهقانی یافت نمی‌شود؟

بنابراین می‌توان گفت که دیدگاه راجرز درباره مسائل توسعه روستایی، تقلیل‌گرایانه و تک‌بعدی است و بیشتر به توصیف معلول‌ها پرداخته است تا به دلایل و چرایی وجود و ماندگاری ویژگی‌های جوامع روستایی. زیرا به منظور رفع مشکلات جوامع روستایی، توجه صرف به معلول‌ها و صفت‌های منتسب به روستاییان کفایت نمی‌کند و برای این کار، توجه به دلایل ایجاد چنین صفت‌ها و رسوم موجود در بافت اجتماعی - تاریخی فرهنگ روستایی مهم است. در واقع، از این طریق، می‌توان به شناخت جامعی از جامعه مورد بررسی دست یافت و به تحلیل مسائل پیش‌روی روستاییان پرداخت.

در نهایت با توجه به آنچه که مورد ملاحظه قرار گرفت؛ بایستی افزود که مادامی می‌توان به توسعه متوازن جامعه مورد مطالعه امیدوار بود که رهیافت درون‌زا به توسعه به عنوان مبنای تحول قرار گیرد. چرا که رهیافت مذکور مستلزم این است که زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی که توسعه در آن رخ می‌دهد و نیز شرایطی که به آن فرهنگ خاص مربوط می‌شود، لحاظ شود. هدف این رهیافت برآوردن نیازهای واقعی مردم است و در اکثر موارد به ظرفیت خلاق مردم، ارزش‌ها و استعدادها بالقوه و اشکال مختلف نمایش فرهنگی بستگی دارد و به منظور برآورده شدن خواسته‌های‌شان جهت داده می‌شود. رهیافت درون‌زا از یک سو باعث می‌شود که تا مردم نقش موثری در پیشرفت تکنولوژی خود ایفا کنند و از سویی دیگر یکپارچگی توسعه و ساختارهای اجتماعی - فرهنگی را تضمین می‌کند. موفقیت این رهیافت، مستلزم مشارکت مردم تا سرحد امکان است. همچنین باید پیامدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تغییرات احتمالی را که با توسعه همراه‌اند در نظر داشت. چنین رهیافتی فرض را بر این می‌گیرد که راه‌حل جهان‌شمول توسعه و الگویی واحد برای رسیدن به آن وجود ندارد. سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه از کشوری به کشور دیگر و از وضعیتی به وضعیت دیگر فرق می‌کند. بسیاری از پژوهش‌گران دیگر، از جمله وینستون دیویس (۱۳۷۹) بلا (به نقل از سو، ۱۳۸۷) و علی بنوعزیزی (۱۳۷۹) که درباره کشورهای آسیایی بررسی کرده‌اند، با تأکید بر عوامل روانی و مذهبی، بیشتر از توان مثبت و فرصت‌هایی صحبت کرده‌اند که عوامل مذکور می‌تواند برای توسعه

توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

ایجاد کند. به طوری که معتقدند که ارزش‌های سنتی نظیر خانواده‌گرایی و اقتدارطلبی در نوسازی جامعه ژاپنی، تأثیر فراوان داشته است. به طور کلی، می‌توان گفت که راجرز فقط درباره موارد کلیدی معلول صحبت کرده و دلایل آن را مورد بررسی قرار نداده است. در ضمن، بسیاری از صفات مذکور، معلول عوامل ثانوی است. برای نمونه، عدم نوآوری فرد یا افراد مورد بررسی ممکن است معلول بی‌قدرتی، عدم برآورده شدن نیازها، فقر و غیره باشد. به طور کلی، عنبری (۱۳۹۰: ۷۶) "انتزاعی بودن دیدگاه‌ها"، "سنجش ناپذیری نظریه‌ها در عمل"، "تعمیم‌پذیری فراوان" و "یک‌جانبه‌نگری در برخورد با عامل توسعه" را از جمله موارد ابهام و کاستی در این دسته از نظریه‌های نگرشی می‌داند.

با توجه به موضوع پژوهش حاضر در روستاهای منطقه کهمان و نیز انتقادهایی که بر اندیشه نوسازی مطرح شد، در نهایت استنباط گردید که پیامدهای توسعه نامتوازن، موجب احیاء خرده‌فرهنگ محلی شده است که در جدول (۱) بیان شده است.

جدول (۱): پیامدهای ناشی از توسعه نامتوازن در منطقه روستایی کهمان شهرستان سلسله

کاهش مشارکت اجتماعی	در نتیجه	* رقابت فرهنگ‌های محلی
افزایش شکاف اجتماعی	پیامدهای	با توسعه
گسست در درون خانواده و نیز در سطح محله	توسعه	* شکوفا تر شدن سنن و باورهای بومی
ایجاد تعارض‌های هویتی در بین جوانان روستایی نسبت به افراد مسن‌تر	نامتوازن	* احیاء حس محلی‌گرایی
ایجاد حس وابستگی بیشتر مردم به دولت به لحاظ مالی (از طریق هدفمند کردن یارانه‌ها)		* احیاء حس خانواده‌گرایی
دلزدگی از نقش و گرفتاری ذهنی فکری		* فرار از آسیب‌های ناشی از توسعه
ایجاد جامعه مصرفی		
ایجاد تنبلی در بین نسل جوان برعکس افراد پیر و میانسال		
کاهش اعتماد اجتماعی		

منبع: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با هدف شناخت و بررسی نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز در روستاهای منطقه کهمان از توابع شهرستان سلسله انجام شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی در جامعه مذکور، با آنچه که راجرز و سایر نظریه‌پردازان این حوزه مطرح کرده‌اند، مطابقت ندارد. به طوری که در خصوص اعتماد روستاییان، یافته‌ها بیان‌گر نارضایتی مردم از وضع موجود به دلیل نبود اعتماد در بین آنهاست. در حالی که در گذشته، با وجود توسعه‌نیافته بودن

بررسی نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز ...

منطقه، میزان اعتماد میان افراد، فراوان بوده است. ولی اکنون که ورود عناصر مدرن را در منطقه مذکور مشاهده می‌کنیم، اعتماد میان روستاییان کاهش یافته است که دلیل آن را ورود فناوری و توسعه می‌دانند. درباره عنصر دوم (نوآوری) نیز مشخص گردید که نوآوری مورد توجه روستاییان، نقطه مقابل نوآوری از نگاه راجرز است، به طوری که مردم روستاهای مورد بررسی، نوآوری را احیاء سنت‌ها و آداب و رسوم گذشته و استفاده از فناوری‌های کاربر کوچک می‌دانستند. این نوع برداشت مردم به دلیل تجربه زیسته با فناوری است که از آن ناراضی هستند. درباره عنصر سوم (تقدیرگرایی) می‌توان گفت که مردم وجود حس تقدیرگرایی را عاملی در ایجاد آرامش روحی - روانی و تسلی خاطر خود و نیز ایجاد صبر و تدبیر درباره امور می‌دانند و نمی‌توان آن را مانع توسعه متوازن دانست. به طوری که سید حسن نصر راه نجات انسان دنیای مدرن را بازگشت به سنت و معنویت می‌داند. درباره پایین بودن سطح آرزوها و انگیزه پیشرفت، روستاییان نه تنها انگیزه پیشرفت فراوانی دارند، بلکه جنس این انگیزه، با نگاه راجرزی (فردگرایی-مادی‌گرایی) متفاوت است، زیرا در انگیزه‌های روستاییان، جنبه معنوی - مادی و نیز جمعی-فردی با هم مورد توجه است. درباره عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی به دلیل دستیابی به منافع آنی، یافته‌ها نشان داد که مردم روستاهای مورد بررسی، توانایی فراوانی در چشم‌پوشی از منافع آنی به دلیل دستیابی به منافع آنی دارند. به صورتی که سرمایه‌گذاری برای فرزندان‌شان را بر زندگی دشواری که در حال حاضر دارند ترجیح می‌دهند. درباره عنصر زمان نیز می‌توان گفت که مفهوم زمان در جامعه مورد بررسی، به دلیل ماهیت متفاوت کار و زندگی، معنایی متفاوت با مفهوم زمان در شهر دارد. روستاییان معتقد بودند که پایداری زیاد به زمان، انسان‌ها را از خود بیگانه می‌کند و باعث بی‌معنا شدن زندگی و روزمرگی می‌شود. یافته‌ها بیانگر خانواده‌گرایی در سطح بالا است. این نوع خانواده‌گرایی، بر عکس دیدگاه راجرز و براساس دیدگاه نظریه‌پردازان پساتوسعه، عاملی برای توسعه موزون جوامع روستایی است. درباره بحث وابستگی به دولت نیز دو دیدگاه مطرح شد: اولاً وابستگی مردم به دولت، بیشتر در حوزه امور مادی و اقتصادی (طرح هدفمند کردن یارانه‌ها) است. دوم اینکه، مردم به دلیل داشتن روحیه همیاری و مشارکت، در انجام امور عمرانی و بسیاری از فعالیت‌های دیگر روستا (از جمله خرمن‌کوب، درو و غیره) با هم همکاری دارند (تحت تأثیر طرح توسعه‌ای منطقه سلسله مجید ره‌نما) و در این حوزه به دولت وابسته نیستند. بر اساس یافته‌های مربوط به عنصر محلی‌گرایی، می‌توان گفت که محلی‌گرایی با وجود توسعه یافته بودن

منطقه، به میزان فراوانی وجود دارد و دلیل آن، مزایای روحی- روانی و حتی مادی و نیز منزلت اجتماعی است که در نتیجه محلی‌گرایی حاصل می‌شود. به طوری که محلی‌گرایی را عامل اساسی پیشرفت خود دانسته‌اند. نهایتاً همدلی در بین روستاییان کهمان در حد بالایی بوده است. بدین ترتیب، پیامدهای منفی ناشی از توسعه نامتوازن در منطقه روستایی کهمان در شهرستان سلسله، از جمله کاهش اعتماد اجتماعی، کاهش مشارکت‌های اجتماعی، پیدایش تنبلی در بین نسل جوان بر عکس افراد پیر و میانسال، افزایش توقع فزاینده غیرضروری و ایجاد جامعه مصرفی، دلزدگی از نقش و گرفتاری ذهنی- فکری، ایجاد حس وابستگی بیشتر مردم به دولت به لحاظ مالی (از طریق هدفمند کردن یارانه‌ها)، ایجاد تعارض‌های هویتی و معنایی در زندگی روستاییان، افزایش شکاف اجتماعی، گسست در درون خانواده و نیز در سطح محله موجب پناه بردن به محیط‌های به دور از توسعه شده است. به عبارت دیگر، توسعه نامتوازن در مناطق روستایی کهمان، باعث احیاء حس خانواده‌گرایی، محلی‌گرایی و نیز احیاء خرده‌فرهنگ‌های محلی و بوم‌ها شده است. بنابراین، می‌توان خرده فرهنگ‌ها را پناهگاه^۱ و رقیب توسعه در نظر گرفت.

شکل (۱): عناصر خرده‌فرهنگ محلی منطقه روستایی کهمان شهرستان سلسله

تقدیرگرایی: یک نوع آرامش روحی- روانی و رضایت از زندگی که باعث ایجاد صبر و تدبیر درباره امور در بین افراد شده است.

محلی‌گرایی: علاقه و احساس تعلق خاطر افراد و داشتن تعصب به خانواده، روستا، طایفه و به طور کلی، وابستگی افراد به هم‌محله‌ای‌هایشان.

نوآوری: احیاء باورها و سنت‌های گذشته و میراث فرهنگی و نیز زنده کردن تولید و استفاده از صنایع دستی و استفاده از فناوری‌های کوچک کاربر.

انگیزه پیشرفت: گرایش به غلبه بر موانع و رفع آنها و بکارگیری نیرو و تلاش جمعی- فردی و معنوی- مادی برای انجام کارها به نحوی خوب و سریع است.

اعتماد اجتماعی: اعتقاد به اینکه دیگران به شیوه‌ای رفتار خواهند کرد که برای ما سودمند است یا دست‌کم زیان‌آور نیست. در ضمن، تمایلات مشترک یا فقدان بدخواهی (سوءنیت) را نیز شامل می‌شود.

خانواده‌گرایی: جامعه نسبتاً کوچکی که هر یک از اعضا، به نحوی بر دیگری تأثیر می‌گذارد، به صورتی که اهداف فردی به اهداف جمعی وابسته است و حس از خودگذشتگی و دگرخواهانه در آن وجود دارد.

مشارکت محلی: درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی، که آنان را برانگیزد تا برای نیل به اهداف گروهی، یکدیگر را یاری کنند، احساس اثربخشی در آنها ایجاد شود و در مسئولیت کار شریک گردند.

منبع: یافته‌های پژوهش

۱ مشاهدات نگارندگان نشان می‌دهد؛ از آنجایی که توسعه به وجود آمده تهدید کننده باورها و ارزش‌های روستاییان بوده است. دلزدگی مردم از چنین وضعیتی، باعث دوری‌گزینی افراد شده و جهت در امان ماندن از آسیب‌های توسعه به محیط‌های کوچک‌تر پناه می‌برند، لذا در این پژوهش از مفهوم پناهگاه استفاده شده است. در ضمن مفهوم رقیب بودن فرهنگ‌های بومی با توسعه نیز از دکتر موسی عنبری اخذ شده است.

بررسی نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز ...

پیشنادهای پژوهش حاضر عبارت است از:

- کاربرد خرده فرهنگ محلی به جای خرده فرهنگ دهقانی: نگارندگان برای رفع ابهام، به جای واژه خرده فرهنگ دهقانی راجرز (مانع توسعه)، واژه "خرده فرهنگ محلی" (با عناصر مطرح شده در پژوهش حاضر) را پیشنهاد می کنند که نه تنها مانع توسعه نیست، بلکه عامل و محرک آن نیز است.
- توجه به ذخیره معرفتی ساکنان و سازوکارهای فرهنگی و هنجاری ساکنان به عنوان عامل و محرک توسعه: بر اساس ظرفیت های منطقه مذکور، با آشکارسازی و بسط ویژگی های فرهنگی و روان شناختی خاص مانند همیاری، اعتماد، پشتکار، سخت کوشی، اخلاق کار و تولید، می توان در برنامه ریزی های مربوط به توسعه مشارکتی از سازوکارهای یاد شده، به نحوی مطلوب استفاده کرد.
- تأکید بر سیاست های توسعه به مثابه نوعی گفتمان و پرهیز از اجرای برنامه های نخبه گرایانه: بدین معنی که برنامه ریزان توسعه، باید به ماهیت مشارکت محور فرایندهای توسعه در منطقه توجه داشته باشند و آن را کنشی تعاملی تلقی کنند. در غیر این صورت، ممکن است برنامه های اجرایی با نیازهای واقعی و اساسی مردم، چندان تناسب نداشته باشد و صرفاً بر هزینه های توسعه بیفزایند.
- همان طور که در پژوهش حاضر بیان شد، توجه به خرده فرهنگ ها، سنن و تحولات توسعه، نه تنها می تواند زاویه دید پژوهش گران را درباره مفهوم توسعه تغییر دهد، بلکه می تواند ما را در مسیری روشن تر و به دور از تفکرات قالبی نظریه پردازان توسعه قرار دهد و موجب توجه به مسائل جدیدتر توسعه ای شود که جامعه با آن مواجه است. در نهایت، پژوهش حاضر نمونه ای از توجه به سنن و بوم ها و به ویژه خرده فرهنگ های مربوط به توسعه است.

منابع

- احمدرش، رشید (۱۳۸۱). بررسی رابطه بین عناصر خرده فرهنگ دهقانی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی روستائیان (مطالعه موردی: بخش لاجان شرقی، شهرستان پیرانشهر). پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران. با راهنمای مصطفی ازکیا. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷). مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی. تهران: نشر اطلاعات. چاپ پنجم.
- ازکیا، مصطفی با همکار سلیمان پاک سرشت (۱۳۷۷). فرهنگ توسعه در ادبیات کرد. نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۲.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا؛ علی ایمانی و رشید احمدرش (۱۳۸۹). نظریه های اجتماعی معاصر با رویکرد توسعه. تهران: نشر علم.
- استرس، آنسلم؛ کورین، جولیت (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی رویه ها و شیوه ها. ترجمه: بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- استوا، گوستاوو (۱۳۷۷) توسعه: نگاهی نو به مفاهیم توسعه. از ولفگانگ زاکس، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران: نشر مرکز.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴). طراحی پژوهش های اجتماعی. ترجمه: حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- پارسانیا، حمید، مهرداد توکلی راد (۱۳۹۰). پیامدها و کارکردهای نذر در جامعه روستایی (بررسی موردی روستاهای تابعه شهرستان فومن-استان گیلان). فصلنامه توسعه روستایی (دوره سوم، شماره دوم) ۶۹-۸۷.
- پیت، ریچارد، هارت ویک، الین (۱۳۸۴). نظریه های توسعه. ترجمه مصطفی ازکیا، رضا صفری شالی، اسماعیل رحمانپور. تهران: نشر لویه.

توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

- جلالی پور، حمیدرضا، محمدی، جمال (۱۳۸۸). *نظریه‌های متاخر جامعه‌شناسی*. چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- حمیدیان، علیرضا؛ جوان، جعفر و مجید یاسوری (۱۳۸۶). *شوراهای روستایی در بوته‌ی خرده فرهنگ دهقانی راجرز (نمونه؛ شهرستان سبزوار)*. *مجله جغرافیا و توسعه*. بهار و تابستان. ۱۳۷-۱۶۲.
- ساعی، علی (۱۳۸۷). *روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رویکرد عقلانیت انتقادی)*. تهران: نشر سمت. چاپ دوم.
- سرداریان قاسم‌آبادی، سهیل (۱۳۸۳). *بررسی رابطه بین برخی عناصر خرده فرهنگ دهقانی و فعالیت‌های اقتصادی، تولیدی جانبی و یا صنعتی در میان پسته کاران رفسنجان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران. با راهنمای مصطفی ازکیا.
- سو، الوین (۱۳۹۰). *تغییر اجتماعی و توسعه*. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شرفی، محمدرضا و شهربانو خشکاب (۱۳۸۸). *بررسی متقابل فرهنگ و تکنولوژی. ماهنامه مهندسی فرهنگی*. شماره ۳۳، ۳۴.
- طالب، مهدی (۱۳۹۱). *شیوه‌های عملی مطالعات اجتماعی (روش تحقیق کمی و کیفی)*. دانشگاه تهران. چاپ دوم.
- طالب، مهدی، با همکاری موسی عنبری (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی توسعه روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- عنبری، موسی (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ*. تهران: انتشارات سمت.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کلاتری، عبدالحسین (۱۳۹۰). *درآمدی بر بومی‌گرایی در حوزه زنان*. جلد اول. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹). *جهان رها شده*. ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب. تهران: علم و ادب.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۲). *سنجش برخی از ویژگی‌های خرده فرهنگ دهقانی در عشاير نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در استان‌های آذربایجان شرقی و کردستان*. *نامه انسان‌شناسی*. دوره اول. شماره چهارم. ۱۱-۳۶.
- مصاحبه با اهالی روستاهای گرکان علیا و سفلی و همین‌طور روستاهای دره تنگ علیا و سفلی از توابع شهرستان سلسله (۱۳۹۱) و مصاحبه با بهروز مرکز بهداشت و درمان منطقه روستایی کهمان از توابع شهرستان سلسله (۱۳۹۱).
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۴). *تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران (رویکرد خرده فرهنگ دهقانی راجرز)*. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*. سال پنجم، شماره ۱۹.

- Chong, K C, Maura S, Lizarondo, Zenaida S, dela Cruz, Cesar V, Guerrero, Ian R, Smith. (1984). *Milkfish Production Dualism in the Philippines: A Multidisciplinary Perspective on Continuous Low Yields and Constraints to Aquaculture Development*. Food and agriculture organization of the united nations. Romt. ITALY.
- Hogan, C. (2002), *Understanding Facilitation*. London :SAGE.Pp: 218-245.
- Kemp, A. (2006), "Can Postdevelopment Provide a/Construtive Criticism?". New York: Free Press.
- Parafitt, Trevor. (2002), "The End of Developmant?: Modernity, Post-Modernity and Developmant" (Third World in Global Politics). Pluto Press, London.
- Popper, karl Raimund (1999), "All Life Is Problem Solving", Routledge.
- Rahnema, Majid. (1997), "The Postdevelopment Reader". London: Zed Books.
- Rogers, E.M. in association with L. Svenning. (1969). *Modernization among peasants: the impact of communications*. Holt Rinehart and Winston. NEW York.
- Ziai, Aram. (2004), "The ambivalence of Postdevelopment, Between Reactionary Populism and Radical Democracy". *Third World Quarterly* 25..